



The Mediating Role of Relationship Effort in the Link between Marital Centrality, Marital Permanence, and Marital Relationship Quality

Neda Shabangiz^۱, Zabihollah KavehFarsani^{۲✉}, and Manizheh kaveh^۳

^۱. Master's student Family Department of Counseling, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. Email: nedashabangiz@gmail.com

^۲. Corresponding author, Department of Counseling, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. Email: kavehfarsani@sku.ac.ir

^۳. Department of Counseling, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. Email: Kaveh@sku.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Keywords:

Marital relationship quality,
Relationship effort,
Marital permanence,
Marital salience,

ABSTRACT

Objective: The present study aimed to examine the relationship between marital relationship quality and marital salience and marital permanence, and to test the mediating role of relationship effort in these associations.

Method:

This descriptive–correlational study used a structural equation modeling approach. The statistical population included all married men and women in Isfahan, from whom a sample was selected through convenience sampling based on the study's inclusion and exclusion criteria. Data were collected using Norton's Marital Quality Questionnaire, the Relationship Effort Scale developed by Halford and colleagues, and the Marital Paradigms Scale by Willoughby and Hall. Data were analyzed using Pearson correlation coefficients and structural equation modeling, and indirect effects were examined using bootstrap procedures.

Results: The findings indicated that marital salience directly and positively predicted relationship effort and marital relationship quality. Marital permanence also directly and positively predicted relationship effort and marital relationship quality. In addition, relationship effort directly predicted marital relationship quality. Bootstrap results supported significant indirect effects of both marital salience and marital permanence on marital relationship quality through relationship effort.

Conclusion: Overall, marital salience and marital permanence were associated with higher marital relationship quality both directly and indirectly through increased relationship effort. Therefore, educational and counseling interventions that strengthen positive beliefs about marriage and emphasize sustained commitment and purposeful relationship effort may contribute to improving marital relationship quality.

Cite this article Shabangiz, Neda., KavehFarsani, Zabihollah., & kaveh, Manizheh (۲۰۲۲). T The Mediating Role of Relationship Effort in the Link between Marital Centrality, Marital Permanence, and Marital Relationship Quality. *The Islamic Journal of Women and the Family*. <http://doi.org/10.2538/ijwf.2026.223.3.2024>

© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI: <http://doi.org/10.2538/ijwf.2026.223.3.2024>





نقش میانجی تلاش رابطه‌ای در ارتباط بین برجستگی و ماندگاری زناشویی با کیفیت رابطه زناشویی

ندا شب انگیز^۱، ذبیح الله کاوه فارسانی^۲، و منیژه کاوه^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده گروه مشاوره، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. رایانامه: nedashab^{۶۵}@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، گروه مشاوره، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. رایانامه: kavehfarsani@sku.ac.ir

۳. گروه مشاوره، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. رایانامه: Kaveh@sku.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی،	هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین کیفیت رابطه‌ی زناشویی با برجستگی زناشویی و ماندگاری زناشویی، نقش میانجی‌گری تلاش رابطه‌ای انجام شد.
کلیدواژه‌ها: کیفیت رابطه‌ی زناشویی، تلاش رابطه‌ای، برجستگی زناشویی، ماندگاری زناشویی،	روش: این پژوهش توصیفی - همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان و مردان متأهل شهر اصفهان که ۳۰۰ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده‌ها عبارت بودند از: پرسشنامه کیفیت زناشویی نورتون، مقیاس تلاش رابطه‌ای هالفورد و همکاران، مقیاس پارادایم‌های زناشویی ویلگویی و هال. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل معادلات ساختاری تحلیل شدند.
	یافته‌ها: نتایج نشان دادند که برجستگی زناشویی، به طور مستقیم، پیش‌بین مثبت تلاش رابطه‌ای و کیفیت رابطه زناشویی است. همچنین، ماندگاری زناشویی به طور مستقیم نقش پیش‌بین مثبت در تلاش رابطه‌ای و کیفیت رابطه ایفا می‌کند. علاوه بر این، تلاش رابطه‌ای نیز به طور مستقیم توانست کیفیت رابطه زناشویی را پیش‌بینی کند. نتایج آزمون بوت‌استراپ حاکی از آن بود که برجستگی زناشویی از طریق تلاش رابطه‌ای و ماندگاری زناشویی از همین مسیر، اثر غیر مستقیم معناداری بر کیفیت رابطه زناشویی دارند.
	نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان دادند برجستگی و ماندگاری زناشویی نه تنها به صورت مستقیم، بلکه از طریق افزایش تلاش رابطه‌ای موجب ارتقای کیفیت رابطه زناشویی می‌شوند. بنابراین، مداخلات آموزشی و مشاوره‌ای که بر تقویت باورهای مثبت نسبت به ازدواج، و زندگی زناشویی و تعهد پایدار و تلاش هدفمند در روابط زناشویی تمرکز دارند، می‌توانند نقش مؤثری در بهبود کیفیت زندگی زناشویی ایفا کنند.

استناد: شب انگیز، ندا؛ کاوه فارسانی، ذبیح الله؛ و کاوه، منیژه (۱۴۰۵). نقش میانجی تلاش رابطه‌ای در ارتباط بین برجستگی و ماندگاری زناشویی با کیفیت رابطه‌ی زناشویی. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده. ۲۰۲۶، ۲۲۳(۳)، ۲۵۲-۲۶۳. <http://doi.org/10.22034/ijwf.2026.223.252>



مقدمه

خانواده، به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، بستر اصلی رشد روانی، عاطفی و اجتماعی اعضا محسوب می‌شود (توماس^۱ و همکاران، ۲۰۱۷) و منبع اصلی پشتیبانی عاطفی و روانی برای اعضای خود است؛ به‌گونه‌ای که روابط خانوادگی مثبت می‌تواند به بهبود سلامت روانی و کاهش استرس کمک کند (ساروکا و سارجنت^۲، ۲۰۲۲). خانواده محیطی کلیدی برای ارضای نیازهای جسمی، فکری و هیجانی افراد است (روهلمن و همکاران^۳، ۲۰۱۸). در این میان، رابطه زناشویی هسته مرکزی خانواده به شمار می‌آید و ثبات و کیفیت آن بر سلامت روان، رضایت از زندگی و انسجام ساختاری خانواده اثر تعیین‌کننده دارد (رابرز و همکاران، ۲۰۱۴). در واقع، روابط زناشویی سالم به ارتقای سلامت روان فرد و جامعه کمک می‌کند، در حالی که روابط ناکارآمد می‌تواند به آشفتگی‌های عاطفی منجر شود (گیرما، ۲۰۲۰). افزون بر این، شواهد طولی نشان داده است که کیفیت رابطه در سال‌های اولیه پیوند زناشویی می‌تواند پیامدهای بلندمدتی بر سلامت شناختی در سال‌های بعد زندگی داشته باشد (لیو و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین، تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت رابطه زناشویی از اهمیت نظری و کاربردی برخوردار است. ازدواج و تشکیل خانواده در نگاه قرآن کریم، نهادی الهی و زیربنایی برای آرامش، تعالی و پایداری جامعه محسوب می‌شود. خداوند در سوره روم، آیه ۲۱، هدف از ازدواج را مسائل معنوی و روان‌شناختی همچون آرامش، مودت و رحمت معرفی کرده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱). مفسران بزرگی چون علامه طباطبایی (۱۳۷۴ش) تأکید کرده‌اند که این آیه حقیقتی فراتر از رفع نیازهای غریزی را بیان می‌کند و ازدواج را سرچشمه آرامش روانی، مودت، شفقت و رشد انسانی می‌دانند (ابراهیمی و محسنی، ۱۴۰۲؛ دادمرزی، ۱۴۰۴). در آیات دیگری از قرآن نیز بر اهمیت ازدواج و خانواده تأکید شده است. در سوره اعراف، آیه ۱۸۹، ازدواج و همسر، عامل آرامش روح و زندگی است و ناآرامی‌های روانی را برطرف می‌کند معرفی شده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا». که بار دیگر بر پیوند وجودی و آرامش‌بخش میان زن و مرد و اساس زندگی که بر انس و الفت است، تأکید می‌ورزد (هدایت‌نیا و همکاران، ۱۴۰۳). بنابراین، مجموعه آیات قرآن نشان می‌دهد که ازدواج در اسلام نه صرفاً یک قرارداد اجتماعی، بلکه نهادی مقدس و الهی است که بنیان سلامت روانی، اخلاقی و اجتماعی فرد و جامعه را تشکیل می‌دهد.

کیفیت رابطه زناشویی^۴ به سطح رضایت از ازدواج و نگرش‌های مثبت نسبت به همسر اشاره دارد (کیم^۵، ۲۰۲۱). کیفیت رابطه زناشویی، هم به عوامل قبل از ازدواج و هم به عوامل بعد از ازدواج بستگی دارد (پوریشکو^۶، ۲۰۲۰). این متغیری است که با گذشت زمان دستخوش تغییر می‌شود. این تغییرات به ما اجازه می‌دهند تا عوامل مؤثر بر کیفیت یک رابطه را شناسایی کنیم. با گذر زمان، میزان رضایت‌مندی از کیفیت روابط زوجین معمولاً روندی کاهشی را تجربه می‌کند (بوهلر و همکاران^۷، ۲۰۲۱). از این‌رو، عوامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت رابطه زناشویی می‌توانند نقش مهمی در فهم و تقویت روابط موفق ایفا کنند.

از جمله عوامل شناختی-نگرشی مؤثر بر کیفیت رابطه زناشویی، باورهای زناشویی^۸ افراد نسبت به اهمیت و دوام ازدواج است. پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهند که کیفیت رابطه زناشویی صرفاً حاصل مهارت‌های ارتباطی یا ویژگی‌های شخصیتی همسران نیست، بلکه به‌طور معناداری تحت تأثیر نظام باورها و نگرش‌هایی قرار دارد که افراد نسبت به جایگاه ازدواج و ارزش پایداری آن در زندگی خود دارند (ویلوگی و همکاران^۹، ۲۰۱۴). در همین راستا، ویلوگی و همکاران (۲۰۱۳) با معرفی مفهوم «پارادایم‌های زناشویی»^{۱۰} استدلال می‌کنند که افراد دارای چارچوب‌های شناختی نسبتاً پایداری هستند که نحوه تفسیر، ارزیابی و واکنش آنان به رویدادهای زناشویی را هدایت می‌کند. در این چارچوب، برجستگی زناشویی^{۱۱} به‌عنوان میزان اهمیتی که فرد برای ازدواج و زندگی زناشویی خود در مقایسه با سایر حوزه‌های زندگی قائل است، و ماندگاری زناشویی^{۱۲} به‌عنوان باور فرد نسبت به ارزش حفظ و دوام ازدواج، دو مؤلفه محوری این پارادایم‌ها محسوب می‌شوند. هر فردی مجموعه‌ای جامع از باورها و نگرش‌ها نسبت به زندگی زناشویی را در خود شکل می‌دهد که جهت‌گیری او را نسبت به زندگی زناشویی مشخص

^۱ Thomas, P. A., & et al^۲ Saroca, K., & Sargent, J^۳ Ruhlmann, L. M., & et al^۴ Marital relationship quality^۵ Kim, Y^۶ Weryszko, M^۷ Bühler, J. L., & et al^۸ Relationship beliefs^۹ Willoughby, B. J., & et al^{۱۰} Marital Paradigms^{۱۱} Marital salience^{۱۲} Marital permanence

می‌کند. باورهای زناشویی درباره اهمیت ازدواج با کیفیت رابطه زوجها ارتباط معناداری دارد (ویلوگی و همکاران، ۲۰۲۱). از منظر نظری، نقش باورهای زناشویی در تبیین کیفیت روابط زوجی ریشه در رویکرد تعامل‌گرایی نمادین دارد که بر معناسازی ذهنی افراد در بستر تعاملات اجتماعی تأکید می‌کند (بلومر، ۱۹۶۹). بر اساس این نظریه، افراد از طریق فرآیندهای معناسازی ناشی از تعاملات اجتماعی، ارتباطات نمادین با اشیاء، افراد و روابط خود ایجاد می‌کنند. در زمینه ازدواج، این نظریه بیان می‌کند که هر فرد از طریق تعامل با خانواده، دوستان و جامعه بزرگتر، معنای شخصی خود را از نهاد ازدواج سازد. همچنین، معنا و باورهای فرد درباره ازدواج و روابط زناشویی، نقش کلیدی در نحوه تعامل او در موقعیت‌های زناشویی دارند؛ این فرایند به عنوان «معنا و نمادگرایی» اطلاق می‌شود. بر این اساس، تعامل‌گرایی نمادین با تأکید بر درک ابعاد معنایی زناشویی زمینه‌ساز شکل‌گیری نظریه‌های جدیدتر مانند پارادایم‌های است (بلومر، ۱۹۶۹؛ به نقل از ویلوگی، ۲۰۱۳). در امتداد این دیدگاه، نظریه افق زناشویی بیان می‌کند که افراد دارای مجموعه‌ای از باورها درباره اهمیت، زمان‌بندی و آمادگی برای ازدواج هستند که این باورها بر تصمیم‌ها، میزان تعهد و کیفیت تعاملات زوجی اثرگذارند (کارول و همکاران، ۲۰۰۷). این نظریه شامل سه بُعد اساسی است: زمان‌بندی مورد انتظار برای ازدواج؛^۱ میزان اهمیت فرد برای نهاد ازدواج و^۲ معیارهای شخصی برای آمادگی جهت ورود به زندگی زناشویی. یافته‌های کارول و همکاران (۲۰۰۷؛ ۲۰۰۹) نشان داد که این ابعاد با طیف از نگرش‌ها و رفتارهای فردی از جمله ارزش‌گذاری بر روابط و الگوهای تعهد، ارتباط دارند. این نظریه مبنای بسیاری از مطالعات بعدی درباره باورهای زناشویی دوره بزرگسالی در حال ظهور قرار گرفته است (ویلوگی و دورکین،^۱ ۲۰۰۹؛ ویلوگی و کارول، ۲۰۱۰؛ ویلوگی، ۲۰۱۰). همچنین، نظریه پارادایم‌های زناشویی (ویلوگی و همکاران، ۲۰۱۳) با تلفیق دیدگاه تعامل‌گرایی نمادین و نظریه افق زناشویی، چارچوبی جامع برای تحلیل باورها و نگرش‌های زناشویی ارائه می‌کند. این نظریه تأکید دارد که باورهای فرد درباره برجستگی و ماندگاری ازدواج به عنوان چارچوب‌های شناختی، میزان سرمایه‌گذاری هیجانی و رفتاری او در رابطه را شکل می‌دهند. در مجموع، این رویکردهای نظری نشان می‌دهند که باورهای زناشویی می‌توانند از طریق تأثیر بر تلاش رابطه‌ای، نقش مهمی در تبیین کیفیت رابطه زناشویی ایفا کنند. ویلوگی و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود چارچوبی مفهومی و کل‌نگر برای درک نگرشی افراد نسبت به زندگی زناشویی ارائه کردند. آنان استدلال کردند که هر فرد دارای یک پارادایم زناشویی^۲ است. این پارادایم به منزله مجموعه‌ای کلی از باورها و نگرش‌های نظری تعریف می‌شود و نشان می‌دهد هر فرد دارای یک الگوی متمایز یا مجموعه‌ای جامع از باورهاست که جهت‌گیری شخصی او را نسبت به ازدواج و زندگی زناشویی شکل می‌دهد. قرآن کریم نیز به نقش باورها در امر ازدواج اشاره کرده است. خداوند در سوره نور، آیه ۳۲ می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». برداشت اولیه از این آیه دلالت بر ازدواج، به استغنائی انسان و رفع نیازهای مادی دارد (اسماعیلی و اسماعیلی، ۱۳۹۵). بنابراین می‌توان گفت این آیه نشان می‌دهد که باورهای صحیح، مانند اعتماد به فضل الهی، موجب تقویت نگرش مثبت به ازدواج می‌شود و چنین نگرشی زمینه‌ساز روابطی سالم‌تر و پایدارتر خواهد بود. ویلوگی (۲۰۱۴) بیان داشت باورهای زناشویی، به‌ویژه باورهای مربوط به برجستگی و ماندگاری زناشویی، به طور مستقیم و غیرمستقیم با ادراکات فرد از پیامدهای رابطه و در نتیجه با کیفیت رابطه زناشویی مرتبط هستند.

برجستگی زناشویی یکی از ابعاد اصلی و پر مطالعه در پارادایم‌های زناشویی به‌شمار می‌آید. این سازه بازتاب‌دهنده نگرش کلی فرد نسبت به جایگاه و اهمیت ازدواج و زندگی زناشویی است و با طیف گسترده‌ای از باورها و رفتارهای فردی در ارتباط دارد (کارول و همکاران،^۳ ۲۰۰۹). به عبارتی دیگر، برجستگی زناشویی مفهومی است که به میزان اهمیتی اشاره دارد که فرد برای ازدواج و زندگی زناشویی خود در مقایسه با سایر حوزه‌های زندگی همچون کار، اوقات فراغت، تحصیل و غیره قائل است (ویلوگی و همکاران، ۲۰۱۹؛ ویلوگی و همکاران، ۲۰۱۵). در چارچوب دین مبین اسلام، برجستگی زناشویی صرفاً یک ترجیح فردی نیست، بلکه بخشی از نظام ارزش‌های الهی محسوب می‌شود. قرآن کریم با قرار دادن ازدواج در کنار مفاهیمی چون «سکینه»، «مودت» و «رحمت» (روم: ۲۱) و نیز با تأکید بر این که خداوند متعال تمام آفرینش را هدفدار و برای انسان آفریده است («خَلَقَ لَكُمْ»)، آن را به عنوان یکی از کانون‌های اصلی تحقق آرامش و رشد انسان معرفی می‌کند. از سوی دیگر، قرآن کریم هدف از آفرینش همسر را ایجاد سکینه و آرامش دانسته («لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا») و مودت و رحمت را هدیه‌ای الهی معرفی نموده است («جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً») آن را به عنوان یکی از کانون‌های اصلی تحقق آرامش و رشد انسان معرفی می‌کند. از این منظر، برجستگی زناشویی را می‌توان به عنوان میزان هم‌سوئی فرد با این نظام ارزشی تلقی کرد؛ به گونه‌ای که هرچه فرد ازدواج را در مرکز نظام معنایی زندگی خود قرار دهد، احتمال بیشتری دارد که رفتارها و انتخاب‌های او در جهت حفظ و ارتقای این پیوند تنظیم شود. در نتیجه، برجستگی زناشویی در چارچوب اسلامی نه تنها یک سازه شناختی، بلکه بازتابی از درونی‌سازی ارزش‌های دینی در حوزه خانواده است.

^۱ Willoughby, B. J., & Dworkin, J. D.

^۲ Marital paradigms

^۳ Carol, J. S., et al

هنگامی که سایر حوزه‌های زندگی در مقایسه با برجستگی زناشویی در اولویت بالاتری برای فرد قرار گیرند، رفتارهای زناشویی و در پی آن کیفیت رابطه زناشویی در معرض خطر قرار می‌گیرند. شواهد پژوهشی نشان داد هر چه زندگی زناشویی برای فرد از برجستگی و اهمیت بیشتری برخوردار باشد، میزان تعهد او به رابطه زناشویی و همسرش افزایش یافته و پیوند زناشویی برای او معنای پررنگ‌تری پیدا می‌کند؛ در نتیجه فرد ادراک مثبت‌تری از پیامدهای رابطه داشته و کیفیت بالاتری از رابطه زناشویی را نیز تجربه خواهد کرد (ویلوگی، ۲۰۱۴). نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن‌اند که باورهای زناشویی بر تصمیم‌گیری‌های روزمره اثرگذارند و میان باورها و تجربه‌های زناشویی رابطه‌ای دوسویه برقرار است؛ به این معنا که باورها بر رفتارها تأثیر می‌گذارند و تجارب زناشویی نیز متقابلاً باورها را شکل می‌دهند (ویلوگی و همکاران، ۲۰۱۵). بر این اساس، کاهش در ادراک اهمیت و برجستگی ازدواج می‌تواند به کیفیت رابطه زناشویی پایین‌تر بینجامد؛ زیرا رفتارهای زناشویی به طور جدایی‌ناپذیر با کیفیت رابطه زناشویی مرتبطاند (گاتمن و کروکاف^۱، ۱۹۸۹). به بیان دیگر، هرچه افراد زمان، انرژی و منابع بیشتری در رابطه‌ی زناشویی خود سرمایه‌گذاری کنند، کیفیت زناشویی بیشتری را تجربه خواهند کرد (راسبالت^۲، ۱۹۸۰). بنابراین، هنگامی که ارزش‌گذاری فرد نسبت به ازدواج کاهش یابد، احتمالاً عشق، توجه و تلاش لازم برای دستیابی به کیفیت زناشویی بالا نیز کمتر خواهد شد. در آموزه‌های قرآنی، ازدواج جایگاهی مجوری و برجسته در حیات فردی و اجتماعی انسان دارد و نه در حاشیه سایر حوزه‌های زندگی. قرآن کریم در سوره نساء (آیه ۱) پیوند زناشویی را در بستر آفرینش انسان و تداوم نسل قرار می‌دهد و بدین‌وسیله آن را به‌عنوان یکی از بنیادهای اصلی نظم زندگی انسانی معرفی می‌کند؛ امری که نشان‌دهنده برجستگی ذاتی ازدواج در نظام ارزشی قرآن است. افزون بر این، در سوره روم (آیه ۲۱)، ازدواج به‌عنوان بستری برای دستیابی به سکینه، مودت و رحمت معرفی می‌شود؛ مفاهیمی که در نگاه قرآنی، از مهم‌ترین اهداف زیست انسانی به شمار می‌آیند و این امر جایگاه ازدواج را در سلسله اولویت‌های زندگی برجسته می‌سازد (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین تشبیه رابطه زن و شوهر به «لباس» در سوره بقره (آیه ۱۸۷) (عثمان، ۱۳۹۹)، بیانگر پیوندی نزدیک، دائمی و فراگیر است که همه ابعاد زندگی فرد را در برمی‌گیرد و نشان می‌دهد زندگی زناشویی نه یک حوزه فرعی، بلکه یکی از کانون‌های اصلی معنا، هویت و آرامش انسان است. نتایج ویلوگی و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که باورهای بالاتر نسبت به برجستگی زناشویی چه به صورت فردی (برای هر یک از همسران) و چه به صورت زوجی، به‌طور معناداری با تعهد بین فردی بیشتر نسبت به همسر و نیز با سطح کلی بالاتر تعهد در رابطه ارتباط دارد. علاوه بر این، اثرات غیرمستقیم معناداری نیز در سطح شوهران، همسران و زوج مشاهده شد؛ به این معنا که باورهای قوی‌تر درباره برجستگی زناشویی از طریق افزایش تعهد با رضایت بیشتر از رابطه، ثبات زناشویی بالاتر و ارتباطات مثبت‌تر بین زوجین همراه بود. نتایج پژوهش کاب و همکاران^۳ (۲۰۱۳) نشان داد زوج‌هایی که زندگی زناشویی برای آنان از اهمیت بالایی برخوردار بود، کمتر درگیر خشونت خانگی می‌شوند و در مقابل سطوح بالاتری از رضایت زناشویی را گزارش کردند. در پژوهش ویلوگی و همکاران (۲۰۱۵) و کارول و همکاران (۲۰۰۷) نیز مشاهده شد که باور به برجستگی ازدواج و زندگی زناشویی با کاهش رفتارهای پرخطر (از جمله مصرف افراتی الککل) در میان زوجین ارتباط دارد؛ عاملی که در نهایت به افزایش رضایت و پایداری رابطه منجر می‌شود. به علاوه نتایج پژوهشی ویلوگی (۲۰۱۵) نشان داد افرادی که ازدواج و زندگی زناشویی را مثبت‌تر و با اهمیت‌تر ارزیابی می‌کنند، تعهد بیشتری نسبت به ساختن و حفظ یک ازدواج موفق و بلندمدت دارند. ماندگاری زناشویی یکی از مؤلفه‌های اساسی در تبیین رفاه و سازگاری زوج‌ها در روابط زناشویی به شمار می‌رود (ویلوگی، ۲۰۱۴). این سازه به باورهای فرد درباره ضرورت حفظ زندگی زناشویی و ارزیابی او از شرایطی اشاره دارد که می‌تواند به تداوم یا خاتمه رابطه منجر شود. در این چارچوب، ماندگاری زناشویی صرفاً به معنای باقی‌ماندن فیزیکی در رابطه نیست، بلکه بازتاب یک نگرش شناختی نسبت به ارزش دوام ازدواج است که جهت‌گیری فرد را در مواجهه با تعارض‌ها و چالش‌های زناشویی تعیین می‌کند. مفهوم ماندگاری زناشویی در چارچوب اسلامی را می‌توان در قالب یک «تعهد مبتنی بر معنا» تبیین کرد. تعبیر «میثاق غلیظ» (نساء: ۲۱) نشان می‌دهد که ازدواج در اسلام یک قرارداد قابل فسخ ساده نیست، بلکه پیمانی است که بر مسئولیت‌پذیری، وفاداری و التزام اخلاقی استوار است. از دیدگاه قرآن کریم، از میان همه عقود و پیمان‌های فراوان بشری، عنوان «میثاق غلیظ» تنها بر پیمان ازدواج اطلاق شده که بر استواری و استحکام این پیوند دلالت دارد. از لوازم اخلاقی این میثاق، وفاداری همسران به معنای التزام عملی کامل به همه تعهدات زناشویی، تکریم همسر به معنای حرمت نگه داشتن و ارج نهادن، و معاشرت به معروف به عنوان بنیان روابط متقابل بر اساس حق و انصاف است. این نگاه باعث می‌شود افراد رابطه زناشویی را در افق زمانی بلندمدت ارزیابی کنند و در مواجهه با تعارض‌ها، به‌جای ترک رابطه، به اصلاح و بازسازی آن بپردازند. از این منظر، ماندگاری زناشویی

^۱ Gottman, J. M., & Krokoff, L. J^۲ Rusbult, C. E.^۳ Cobb, R. A., & et al

یک سازه شناختی-ارزشی است که از باورهای دینی درباره دوام، صبر و وفاداری نشأت گرفته و به افزایش تاب‌آوری رابطه در برابر تنش‌ها منجر می‌شود (مهدیانفر، ۱۴۰۳).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند این باورها با سطوح بالاتر تعهد زناشویی همراه هستند؛ به گونه‌ای که تعهد را می‌توان یکی از پیامدهای نگرش مثبت به ماندگاری ازدواج دانست. تعهد زناشویی به تمایل فرد برای تداوم رابطه و سرمایه‌گذاری بلندمدت در زندگی مشترک اشاره دارد و شامل دلبستگی روان‌شناختی و تعهد هیجانی نسبت به همسر است (لی و همکاران، ۲۰۱۰؛ دنیز و یوزگات، ۲۰۱۳). از این منظر، باور به ماندگاری زناشویی زمینه‌ساز شکل‌گیری تعهد پایدار بوده و از طریق افزایش تعهد، به ارتقای رضایت و کیفیت رابطه زناشویی می‌انجامد. در همین راستا، ویالکس و دیو (۲۰۱۰) گزارش کردند زوجینی که ماندگاری زناشویی را به عنوان یک ارزش بنیادین در زندگی خود تلقی می‌کنند، کیفیت بالاتری را در روابط زناشویی تجربه می‌کنند؛ یافته‌ای که نشان می‌دهد نگرش به دوام ازدواج می‌تواند به طور غیرمستقیم و از مسیر تعهد، کیفیت رابطه زناشویی را تقویت کند. در نگاه قرآن کریم، ازدواج نه یک توافق عاطفی زودگذر، بلکه رابطه‌ای مبتنی بر ثبات و تداوم است که ماندگاری در آن نقشی اساسی دارد. تعبیر «ميثاق غلیظ» در سوره نساء (آیه ۲۱) نشان می‌دهد که پیوند زناشویی از منظر قرآنی، پیمانی استوار و درازمدت است. خدای سبحان با این تعبیر و یادآوری آن به همسران، حقیقت نهاد خانواده را آشکار ساخته و ایشان را به لوازم چنین پیمانی هشدار می‌دهد. شایان توجه است که ترکیب «ميثاق غلیظ» در قرآن سه بار به کار رفته است؛ میان خدا و پیامبران (احزاب: ۷)؛ میان خدا و بنی اسرائیل (نساء: ۱۵۴) و میان زنان و شوهران (نساء: ۲۱). از میان همه این موارد، بنابر این، تنها پیمان ازدواج است که میان انسان‌ها با این وصف یاد شده؛ این امر نشان می‌دهد که از دیدگاه قرآن کریم، ميثاق همسری از استوارترین و ارزشمندترین پیمان‌های بشری محسوب می‌شود. از آنجا که فلسفه اصلی هر پیمانی افزایش وفاداری و پیشگیری از پیمانش شکنی است، کاربرد عنوان «ميثاق غلیظ» در ازدواج نشانگر ضرورت فوق‌العاده وفاداری به پیمان همسری و التزام همه‌جانبه به لوازم آن است (مهدیانفر، ۱۴۰۳). دوام زندگی مشترک در پرتو آرامشی حاصل می‌شود که در آیه ۲۱ سوره روم به آن اشاره شده است.

یافته‌های پژوهش‌های ویلویی (۲۰۱۳؛ ۲۰۱۴) نشان می‌دهد هرچه اهمیت و ارزش‌گذاری فرد بر دوام و ثبات ازدواج بیشتر باشد، نگرش متعهدانه‌تری نسبت به رابطه زناشویی شکل می‌گیرد و در نتیجه، ادراک مثبت‌تری از رابطه و کیفیت بالاتری از زندگی زناشویی تجربه می‌شود. در این چارچوب، تعهد زناشویی نه به عنوان یک سازه مستقل، بلکه به عنوان پیامد باور به ماندگاری ازدواج قابل تبیین است. در تبیین این رابطه، مدل سرمایه‌گذاری راسبلت (۱۹۸۰) بیان می‌کند که باور به ارزش رابطه و میزان سرمایه‌گذاری‌های عاطفی، زمانی و مادی در آن، تعهد فرد به رابطه را افزایش می‌دهد و این فرایند به ارتقای کیفیت زناشویی منجر می‌شود (راسبلت و همکاران، ۲۰۱۲). افزون بر این، نظریه مبادله اجتماعی تأکید می‌کند افرادی که نگرش متعهدانه‌تری نسبت به تداوم رابطه دارند، تعاملات زناشویی را با افق بلندمدت‌تری ارزیابی کرده و رضایت بیشتری را تجربه می‌کنند (هو و همکاران، ۲۰۱۹). بر این اساس، می‌توان گفت ماندگاری زناشویی با ایجاد چارچوبی شناختی مبتنی بر حفظ رابطه، زمینه شکل‌گیری تعهد و در نهایت ارتقای کیفیت رابطه زناشویی را فراهم می‌سازد.

روابط زناشویی با کیفیت و پایدار بدون کار و تلاش مستمر شکل نمی‌گیرد (جانسون^۱، ۲۰۰۸). حفظ یک رابطه مطلوب مستلزم سرمایه‌گذاری و تلاش مداوم است (آنیکان^۲، ۲۰۲۳). چندین مطالعه نشان داده‌اند که بین تلاش رابطه‌ای^۳—که می‌توان آن را به عنوان نگرش و رفتار فرد نسبت به بهبود رابطه صمیمانه تعریف کرد—و کیفیت رابطه زناشویی، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (به عنوان مثال، شفر و همکاران^۴، ۲۰۱۴). پژوهش‌های اخیر در حوزه زناشویی نشان می‌دهند که به جای تمرکز صرف بر مؤلفه‌های منفی عملکرد رابطه مانند تعارض، بر درک عناصر مثبت و بهزیستی رابطه اهمیت بیشتری یافته است (ویلویی، ۲۰۱۴). یکی از این رفتارهای مثبت، تمایل به تلاش در روابط است (فینچام و همکاران^۵، ۲۰۰۷) که در آن افراد برای بهبود کیفیت رابطه زناشویی خود و همسرشان تلاش می‌کنند (هالفورد و همکاران^۶، ۱۹۹۴). تلاش رابطه شامل مجموعه‌ای از رفتارهای فردی جهت بهبود رابطه، نگرش پایدار، بررسی بازخورد همسر نسبت به این تلاش‌ها و ارزیابی تأثیر این اقدامات بر ادراک فرد از کیفیت رابطه است (هازلود^۷، ۲۰۱۲). در این پژوهش تلاش رابطه‌ای به عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شد و به معنای کوشش مستمر و فعالانه برای حفظ، تقویت و ارتقای زندگی مشترک تعریف می‌شود. تلاش در رابطه دارای چند ویژگی اصلی است که عبارتند از الف) انجام رفتارهای فردی به طور مشخص برای بهبود رابطه؛ ب) نگرش پایدار و تداوم در مسیر

^۱ Hou, Y., et al

^۲ Johnson, S. M

^۳ Aniekan, N., & Mark, M. H

^۴ Relational effort

^۵ Shafer, K., et al

^۶ Fincham, F. D., & et al

^۷ Halford, W. K., & et al

^۸ Hazelwood, Z. J.

بهبود رابطه؛ ج) توجه به واکنش همسر نسبت به این تلاش‌ها، و د) بررسی اثر تلاش‌ها بر ادراک فرد از کیفیت رابطه (هالفورد و همکاران، ۱۹۹۴؛ هالزود، ۲۰۱۲). به بیان دیگر، «تلاش» را می‌توان نگرش و رفتار در راستای کار بر روی رابطه است، حتی در مواجهه با دشواری‌ها یا الگوهای رفتاری گذشته؛ شامل توانایی تغییر رفتار، پاسخ‌گویی به بازخورد همسر، و اطمینان از این‌که تلاش‌ها باعث آسیب به ادراک فرد از کیفیت رابطه نشود. در چارچوب آموزه‌های اسلامی، تلاش در رابطه زناشویی را می‌توان مصداقی از «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) دانست که به معنای رفتار نیکو، مسئولانه و مستمر در قبال همسر است. «معروف» به آنچه عرف و خرد جمعی می‌پسندد اطلاق می‌شود. فعل «عاشروا» در این آیه، فعل امر است و فعل امر جز در مواردی که قرینه‌ای بر استحباب باشد، ظاهر در وجوب دارد؛ در نتیجه آیه بر وجوب معاشرت به معروف و حسن سلوک با زنان دلالت می‌کند. تصریح این آیه به لزوم معاشرت به معروف در روابط زوجین به گونه‌ای است که اگر هیچ آیه یا روایت دیگری در این زمینه نبود، همین آیه برای اثبات قاعده کفایت می‌کرد. به لحاظ دامنه و گستره نیز آیه شریفه به قلمرو خاصی نظر ندارد و همه ابعاد روابط زن و شوهر را پوشش می‌دهد (نوبهار و حسینی، ۱۳۹۴). بر اساس تحلیل فقهی معاصر، مراد از معاشرت به معروف در قرآن، داشتن رفتار متعارف و پرهیز از معاشرت ضارری (آسیب‌زننده) است؛ بدین معنا که تلاش در رابطه، در واقع همان حفظ حد متعارف تعامل و اجتناب از هرگونه رفتار زیانباری است که ثبات زندگی را مختل کند (سیدحسینی و محمدجعفری، ۱۴۰۲). قرآن کریم در ادامه همین آیه می‌فرماید: «فَعَسَىٰ أُن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»؛ چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، در حالی که خداوند در آن خیر فراوانی نهاده است. این آموزه، ضرورت تلاش مستمر در رابطه حتی در شرایط دشوار را گوشزد می‌کند. از این منظر، تلاش رابطه‌ای نوعی کنش آگاهانه و ارزش‌محور است که ریشه در احساس مسئولیت اخلاقی و دینی نسبت به حفظ رابطه در یک پیوند مقدس به نام ازدواج دارد و می‌تواند به عنوان سازوکار رفتاری تحقق تعهد زناشویی در نظر گرفته شود.

ویلسون و همکاران^۱ (۲۰۰۵) نیز تأکید کرده‌اند که شکل‌گیری و حفظ یک رابطه سالم مستلزم کار و تلاش مشترک زوجین است و تلاش رابطه‌ای یکی از عناصر حیاتی عملکرد سالم زناشویی محسوب می‌شود. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که تلاش‌های زوج‌ها با کیفیت بالاتر زناشویی مرتبط است؛ زیرا نشان دهنده میزان درگیری و سرمایه‌گذاری فرد در ازدواج است (هالفورد و همکاران، ۲۰۰۷؛ هالفورد، ۲۰۱۱؛ ویلسون و همکاران، ۲۰۰۵). پژوهشگران حوزه خودتنظیمی رابطه بر این نکته تأکید کرده‌اند که تلاش در رابطه باید توسط هر دو طرف صورت گیرد تا بر ادراک همسر و در نتیجه بر کیفیت رابطه تأثیر مثبت داشته باشد (شافر و همکاران، ۲۰۱۴).

ویلوگی (۲۰۱۴) نشان داد که بین برجستگی زناشویی و تلاش رابطه‌ای ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین، ماندگاری زناشویی با تلاش رابطه‌ای مرتبط است، و از نظر مفهومی عمدتاً به عنوان یک نگرش و نه صرفاً رفتار توصیف می‌شود، در حالی که تلاش رابطه‌ای ترکیبی از نگرش و عمل مبتنی از آن (رفتار) تلقی می‌گردد (هالفورد، ۲۰۱۱). در این چارچوب، تلاش رابطه‌ای به عنوان متغیر میانجی عمل می‌کند و همچون پل ارتباطی، برجستگی و ماندگاری زناشویی را به کیفیت رابطه زناشویی پیوند می‌دهد. براساس یافته‌های ویلوگی (۲۰۱۴) باور قوی‌تر به برجستگی و ماندگاری زناشویی، هم با تلاش رابطه‌ای ارتباط مستقیم و مثبت دارد و هم به صورت غیرمستقیم و مثبت با کیفیت رابطه دارند. افرادی که به تلاش در روابط زناشویی باور دارند حتی در شرایطی که یک تعارض حل‌نشده در زندگی زناشویی‌شان باقی مانده باشد، همچنان سطح بالایی از تعهد نسبت به رابطه را حفظ می‌کنند (برنت و فرانک، ۲۰۱۰). گاندر و همکارانش^۴ (۲۰۲۴) در پژوهش خود بیان کردند، زوجینی که در روابطشان تلاش بیشتری می‌کنند، کاهش رضایت زناشویی کمتری را در طول زمان تجربه می‌کنند. تلاش در رابطه زناشویی به معنای کوشش مستمر و فعالانه برای حفظ و ارتقای زندگی مشترک است.

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که ازدواج و تشکیل خانواده در بافت فرهنگی ایران همچنان جایگاهی محوری و ارزشمند در میان جوانان دارد (شاهی و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین شواهد تجربی از جمله پژوهش ویلوگی (۲۰۱۵) حاکی از آن است که باورهای زناشویی مرتبط با برجستگی و ماندگاری زناشویی با سطوح بالاتر تعهد فردی نسبت به همسر مرتبط هستند و این باورها به‌طور غیرمستقیم، از طریق تعهد فردی، با رضایت و ثبات رابطه زناشویی ارتباط دارند. در ادامه این خط پژوهشی، ویلوگی و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که تجربه طلاق والدین با کاهش برجستگی و ماندگاری زناشویی در فرزندان همراه است و این افراد نگرش‌های منفی‌تری نسبت به ازدواج دارند. افزون بر این، یافته‌های شافر و همکاران (۲۰۱۴) بیانگر آن است که تلاش رابطه‌ای با رضایت و ثبات زناشویی، هم در ازدواج اول و هم در ازدواج مجدد، رابطه مثبت دارد. در مجموع، این یافته‌ها بر نقش باورهای زناشویی و تلاش رابطه‌ای در تبیین کیفیت و پایداری روابط زناشویی تأکید دارند.

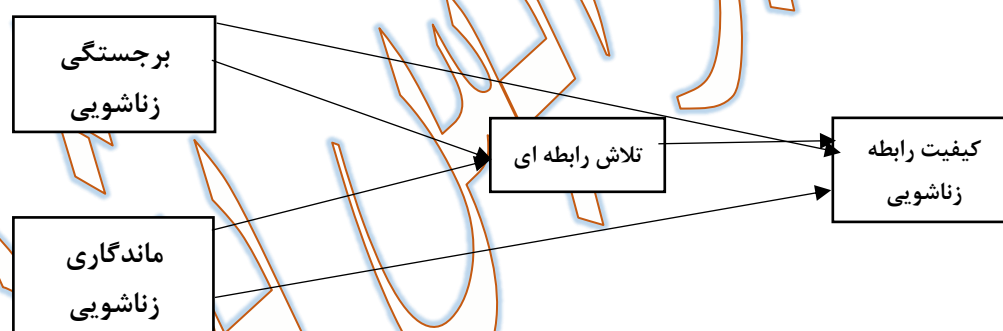
^۱ Wilson, K. L., & et al

^۲ Shafer, K., & et al

^۳ Burnette, J. L., & Franiuk, R

^۴ Gander, F., & et al

با توجه به اهمیت ازدواج و خانواده در حفظ انسجام روانی و اجتماعی افراد، بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت و پایداری روابط زناشویی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ازدواج، به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقش مهمی در ارتقای سلامت روان، رضایت از زندگی و بهزیستی اجتماعی ایفا می‌کند. آموزه‌های قرآن کریم نیز نشان می‌دهد که ازدواج صرفاً یک پیمان اجتماعی نیست، بلکه نهادی الهی و مبتنی بر محبت، مودت، رحمت و حمایت متقابل است. با وجود این تأکید گسترده در آموزه‌های اسلامی، بخش قابل توجهی از پژوهش‌های تجربی در حوزه روابط زناشویی، عمدتاً در کشورهای غربی انجام شده و کمتر پژوهشی در قالب مدل‌های قابل آزمون در کشور ما پرداخته‌اند. به‌ویژه، هنوز روشن نیست که برجستگی و ماندگاری ازدواج، از طریق سازوکارهای رفتاری مانند تلاش رابطه‌ای، به پیامدهایی همچون کیفیت رابطه زناشویی منجر می‌شوند یا خیر. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه برجستگی و ماندگاری زناشویی با کیفیت رابطه زناشویی؛ نقش میانجی تلاش رابطه‌ای انجام شد. بر این اساس، سؤالات پژوهش عبارت‌اند از: آیا مدل مفروض با داده‌ها برازش دارد؟ آیا برجستگی، ماندگاری زناشویی و تلاش رابطه‌ای به‌طور مستقیم بر کیفیت رابطه زناشویی اثر می‌گذارند؟ و آیا برجستگی و ماندگاری زناشویی به‌طور غیرمستقیم و از طریق تلاش رابطه‌ای بر کیفیت رابطه زناشویی تأثیر دارند؟



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی با استفاده از مدلیابی معادلات ساختاری انجام شد. پژوهشگر با حضور در مکان‌های عمومی از جمله فرهنگسراهای خانواده، پارک‌ها، دانشگاه‌ها و هیئت‌های مذهبی، پس از توضیح اهداف پژوهش و جلب رضایت آگاهانه، پرسشنامه‌ها را در اختیار شرکت‌کنندگان قرار داد. به منظور رعایت اصول اخلاقی، اهداف پژوهش، نحوه اجرا آن، اصل رازداری، اختیار در مشارکت و حق انصراف در هر مرحله به شرکت‌کنندگان اطلاع داده شد و در صورت تمایل، پرسشنامه‌ها بین آنان توزیع گردید. در مجموع، داده‌های حاصل از ۳۰۰ پرسشنامه برای تحلیل نهایی وارد مرحله آماری شد. در بخش توصیفی، متغیرهای پژوهش با استفاده از میانگین و انحراف معیار توصیف شدند. در بخش استنباطی نیز روابط بین متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدلیابی معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفت. تحلیل داده‌ها با نرم افزارهای برنامه SPSS ۲۶، AMOSS ۲۴ انجام شد.

۱. جامعه و نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی زنان و مردان متأهل شهر اصفهان در سال ۱۴۰۴ بود. حجم نمونه با استفاده از نرم افزار G*Power و با در نظر گرفتن سطح معناداری ۰/۰۱، اندازه اثر متوسط ۰/۳ و توان ۰/۹۰، ۲۳۰ نفر برآورد شد؛ با این حال، به منظور افزایش توان آماری، پایداری برآورد پارامترها و امکان اجرای تحلیل‌های تکمیلی مانند بوت‌استرپینگ داده‌ها از ۳۰۰ نفر جمع‌آوری گردید. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انجام شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل (۱) متأهل بودن؛ (۲) ساکن شهر اصفهان بودن؛ (۳) گذشت حداقل یک سال از زندگی زناشویی؛ (۴) حداقل سطح تحصیلی سیکل و (۵) تمایل و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش بود. و ملاک‌های خروج، عدم تمایل یا انصراف از ادامه همکاری در هر مرحله از پژوهش و پاسخ ندادن به اکثر سؤالات پرسشنامه‌ها تعیین گردیده بود.

۲. ابزار پژوهش

پرسشنامه کیفیت زناشویی^۱ (QMI)

این پرسشنامه توسط نورتون^۲ (۱۹۸۳) برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی طراحی و شامل ۶ سؤال است. شرکت‌کنندگان در پنج سؤال اول پاسخ خود را بر روی یک طیف لیکرت هفت درجه‌ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۷) ارائه می‌دهند. سؤال ششم یک سؤال کلی است که درجه موافقت آزمودنی را در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۱۰ (کاملاً موافقم) نشان می‌دهد. حداقل و حداکثر نمرات این مقیاس بین ۶ تا ۴۵ متغیر است به گونه‌ای که نمره بالاتر کیفیت بالاتر زناشویی می‌باشد. نورتون (۱۹۸۳) با استفاده از تحلیل عاملی نشان داد که گویه‌ها بار عاملی بالایی روی یک عامل واحد دارند، بنابراین مقیاس یک‌بعدی محسوب می‌شود. همچنین پایایی درونی آن از طریق آلفای کرونباخ بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵ گزارش شد که نشان دهنده انسجام درونی بسیار بالا است. کاوه فارسانی (۱۴۰۰) پایایی این پرسشنامه ۰/۹۴ گزارش داد. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۵ برآورد شد.

مقیاس تلاش رابطه‌ای^۳ (RES)

تلاش رابطه‌ای، میزان تمایل و توانایی افراد برای صرف انرژی و کوشش در روابط زناشویی را می‌سنجد. این مقیاس نسخه‌ی تعدیل شده‌ای از پرسش‌های مورد استفاده هالفورد و همکاران (۱۹۹۴) و ویلسون و همکاران (۲۰۰۵) است و شامل ۴ گویه می‌باشد. نمونه‌ای از گویه‌ها عبارتند از: «اگر مشکلی در رابطه پیش بیاید، احساس ناتوانی می‌کنم» و «اگر همسرم قدردان تلاش‌های من برای تغییر نباشد، معمولاً از ادامه آن دست می‌کشم». پاسخ‌دهی به گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای صورت می‌گیرد. در نمره‌گذاری، ابتدا گویه‌ها به صورت معکوس کدگذاری شده و سپس مجموع نمرات را محاسبه می‌کرد؛ به گونه‌ای که نمرات بالاتر نشان دهنده میزان تلاش بیشتر در رابطه هستند. شافر و همکاران (۲۰۱۴) روایی این مقیاس را از طریق همبستگی آن با مقیاس‌های رضایت زناشویی (۰/۵۱) و ثبات زناشویی (۰/۴۰) گزارش کرده‌اند. همچنین پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ در نمونه‌های مختلف ۰/۶۸ تا ۰/۷۲ به دست آمده است. تاکنون ویژگی‌های روانسنجی این مقیاس در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است. در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۴ گزارش شد.

مقیاس پارادایم‌های زناشویی^۴ (MPS)

مقیاس پارادایم‌های زناشویی توسط ویلوگی و هال^۵ (۲۰۱۵) با هدف سنجش باورهای فرد درباره «متأهل شدن» و «متأهل ماندن» طراحی شد. این مقیاس شامل ۲۲ گویه در ۶ بُعد (زمان‌بندی زناشویی؛ برجستگی زناشویی؛ بافتار زناشویی؛ فرایندهای زناشویی؛ ماندگاری زناشویی^۶ و مرکزیت زناشویی^۷) است. پاسخ‌دهی به گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از (به شدت مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۶) انجام می‌شود. در پژوهش حاضر تنها از ابعاد برجستگی زناشویی و ماندگاری زناشویی استفاده شد. برجستگی زناشویی شامل ۶ گویه است؛ نمونه‌ای از این گویه‌ها عبارتند از: «زندگی زناشویی برای من مهم‌تر از موفقیت شغلی است» و «زندگی زناشویی یکی از اولویت‌های مهم من در این مرحله از زندگی است». ماندگاری زناشویی نیز شامل ۳ گویه است به عنوان مثال «خوشبختی شخصی مهم‌تر از تحمل یک ازدواج بد است (معکوس کردن)»، «زمانی که نیازهای فرد دیگر برطرف نشود، طلاق اشکالی ندارد (معکوس کردن)» و «ازدواج پیوندی مادام‌العمر است، حتی اگر زوجین ناراضی باشند». ویلوگی و هال (۲۰۱۵) روایی این مقیاس را با استفاده از تحلیل عاملی تأیید کردند. آنان همچنین پایایی بُعد برجستگی زناشویی را بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و برای بُعد ماندگاری زناشویی ۰/۸۲ گزارش کردند. در ایران شاهی و همکاران

^۱. Quality of Marriage Index

^۲. Norton, R

^۳. Relational Effort Scale

^۴. Marital Paradigms Scale

^۵. Willoughby, B. J., & Hall, S. S.

^۶. Marital Timing

^۷. Marital Salience

^۸. Marital Context

^۹. Marital Processes

^{۱۰}. Marital permanence

^{۱۱}. Marital Centrality

(۱۳۹۸)، ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۷۵ برای برجستگی زناشویی و ۰/۶۷ برای ماندگاری زناشویی گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر، پایایی این دو بُعد به روش آلفای کرونباخ برای برجستگی ۰/۷۹ و برای ماندگاری زناشویی ۰/۹۰ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

نمونه شامل ۵۵/۳ درصد زن و ۴۴/۷ درصد مرد بود. از نظر تحصیلات، بیشترین فراوانی مربوط به کارشناسی (۴۰/۷) و پس از آن کارشناسی ارشد (۳۲/۳) بود و ۲۱ درصد کمتر از دیپلم داشتند. بیشترین گروه سنی ۴۰-۵۰ سال (۳۸/۳) و ۳۰-۴۰ سال (۲۸) بودند. مدت ازدواج عمدتاً بین ۱۰ تا ۲۰ سال (۴۰/۷) درصد بود و بیشترین تعداد فرزندان ۲ نفر (۴۴ درصد) گزارش شد. وضعیت اقتصادی اکثریت متوسط (۶۵/۳) و همچنین ۶۱/۳ درصد نمونه شاغل بودند.

همانگونه که ذکر شد، طرح پژوهش حاضر، طرح همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری است که یک روش همبستگی چند متغیری است. در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در نرم افزار AMOS از روش ورود و تحلیل داده‌های خام استفاده شد. هدف عمده پژوهش حاضر بررسی تأثیر ماندگاری و برجستگی زناشویی بر کیفیت رابطه زناشویی به صورت مستقیم و نیز به صورت غیرمستقیم با میانجی‌گری متغیر تلاش رابطه‌ای در قالب یک مدل معادلات ساختاری بود. همانگونه که ذکر شد، سؤال‌های اصلی پژوهش حاضر عبارتند از: ۱- آیا مدل مفروض رابطه بین ماندگاری و برجستگی زناشویی، تلاش رابطه‌ای و کیفیت رابطه زناشویی برازنده‌ی داده‌ها می‌باشد؟ ۲. آیا ماندگاری و برجستگی زناشویی و تلاش رابطه‌ای به صورت مستقیم بر کیفیت رابطه زناشویی تأثیر دارد؟ ۳. آیا ماندگاری و برجستگی زناشویی به صورت غیرمستقیم و از طریق تلاش رابطه‌ای بر کیفیت رابطه زناشویی تأثیر دارد؟ جدول شماره (۱) میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه‌ی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	میانگین	انحراف
کیفیت رابطه زناشویی	۱	۰/۴۸۸***	۰/۵۶۳***	۰/۲۶۸**	۳۵/۳۹	۷/۷۵
تلاش رابطه‌ای		۱	۰/۲۸۱***	۰/۲۱۰**	۱۴/۸۹	۳/۱۱
برجستگی زناشویی			۱	۰/۱۳۱*	۲۶/۸۲	۵/۱۳
ماندگاری زناشویی				۱	۷/۱۶	۳/۵۲

***معنی داری در سطح ۰/۰۰۱

**معنی داری در سطح ۰/۰۱

*معنی داری در سطح ۰/۰۵

جدول (۱) ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش را ارائه می‌دهد که روابط بین متغیرهای پژوهش کیفیت رابطه زناشویی، تلاش رابطه‌ای، برجستگی و ماندگاری زناشویی را نشان می‌دهد. تمامی ضرایب همبستگی در سطح ۰/۰۰۱ تا ۰/۰۵ معنی‌دار هستند. جدول شماره ۲ نتایج بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش را ارائه می‌دهد که شامل P-مقدار آزمون جاک-بِرا، ضریب چولگی و ضریب کشیدگی برای متغیرهای پژوهش کیفیت رابطه زناشویی، تلاش رابطه‌ای، برجستگی و ماندگاری زناشویی است. این شاخص‌ها برای ارزیابی نرمال بودن داده‌ها، که پیش‌نیاز مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر کوواریانس است، ضروری هستند.

جدول ۲. بررسی نرمال بودن متغیرها

متغیر	P-مقدار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی
کیفیت رابطه زناشویی	۰/۲۲۹	-۱/۲۳	۱/۸۵
تلاش رابطه‌ای	۰/۵۱۷	-۰/۷۰۳	۰/۱۱۸
برجستگی زناشویی	۰/۶۳۱	-۰/۳۱۹	۰/۲۶۵

ماندگاری زناشویی ۰/۵۰۱ -۰/۱۸۱ ۰/۸۰۰

بر اساس جدول (۲)، تمامی متغیرها با P -مقدار بیش از ۰/۰۵ (از ۰/۲۲۹ تا ۰/۶۳۱) نشان‌دهنده نرمال بودن توزیع داده‌ها هستند، زیرا P -مقدار نشان می‌دهد که فرض صفر (نرمال بودن توزیع) رد نمی‌شود. علاوه بر آزمون‌های معناداری، شاخص‌های چولگی و کشیدگی نیز بررسی شدند. مقادیر چولگی بین (۱/۲۳- تا ۰/۱۸-) و مقادیر کشیدگی بین (۰/۸۰۰ تا ۱/۸۵) به‌دست آمد که همگی در دامنه قابل‌قبول ($2\pm$) قرار دارند. این نتایج نیز مؤید نرمال بودن نسبی توزیع داده‌ها هستند. بر این اساس، داده‌ها از نرمالیت تک‌متغیره برخوردار بوده و به‌کارگیری روش معادلات ساختاری در تحلیل داده‌ها توجیه‌پذیر است. جدول شماره (۳) شاخص‌های برازش مدل مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

بررسی برازش مدل پیشنهادی پژوهش

جدول ۳. شاخص‌های برازندگی مدل مطالعه									
شاخص	آمار	P	مقدار	مجه	ریشه	شاخص	شاخص	شاخص	شاخص
شاخص ص برازش	ه‌خی-دو	مقدار	دور	خطای	ریشه	شاخص ص برازش	شاخص ص برازش	شاخص ص برازش	شاخص ص برازش
۲۹۳	۰/۰۱	۱/۳	۲	۰/۰۳۳	۰/۹۷	۰/۹۵	۰/۰۳۳	۰/۹۳	۰/۹۵
مقادیر	-	-	۴	۰/۰۸	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۰۸	۰/۹۰	۰/۹۰
تأیید/رد	-	-	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید	تأیید

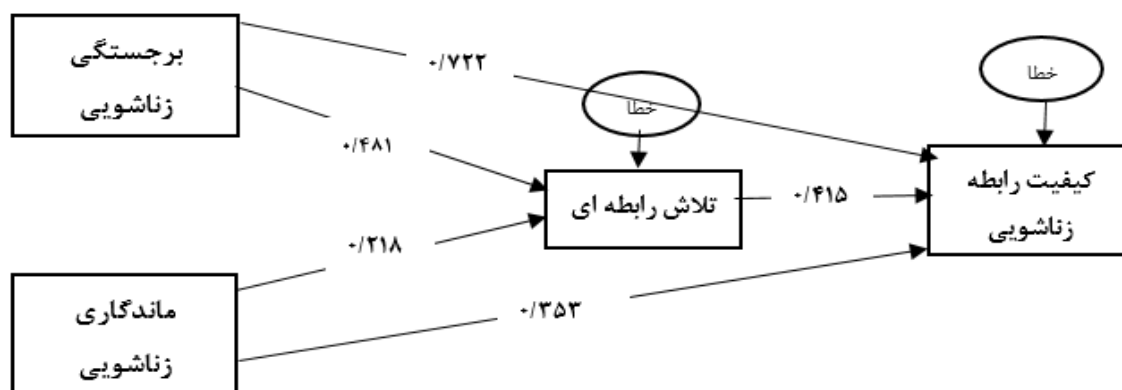
همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود آماره خی-دو (۲۹۳/۱۳) با P -مقدار ۰/۰۱ نشان‌دهنده معنی‌داری آماری است، اما به‌تنهایی معیار کافی برای برازش مدل نیست، زیرا در نمونه‌های بزرگ ممکن است معنی‌دار شود. شاخص مجذور خی-دو بر درجه آزادی (۱/۲۳) کمتر از مقدار قابل‌قبول (۴) است که نشان‌دهنده تناسب خوب مدل با داده‌هاست. ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (۰/۰۳۳) کمتر از ۰/۰۸ است و بیانگر برازش بسیار خوب مدل است. شاخص‌های برازش توکر-لوپس (۰/۹۷)، برازندگی تطبیقی (۰/۹۵)، برازندگی هنجار شده (۰/۹۳)، نیکویی برازش (۰/۹۵) و نیکویی برازش تعدیل‌شده (۰/۹۴) همگی بالاتر از ۰/۹۰ هستند و نشان‌دهنده تناسب قوی مدل با داده‌ها هستند. بنابراین با توجه به این یافته‌ها پاسخ سؤال یک پژوهش مبنی بر اینکه آیا مدل مفروض رابطه بین ماندگاری و برجستگی زناشویی، تلاش رابطه‌ای و کیفیت رابطه زناشویی برازنده‌ی داده‌ها می‌باشد؟ تأیید می‌شود جدول شماره ۴ ضرایب مسیر مدل این پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج مدل پژوهش برای بررسی رابطه مستقیم و غیر مستقیم بین متغیرها

رابطه	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	آماره Z	P -مقدار
برجستگی زناشویی ← تلاش رابطه‌ای	۰/۴۸۱	-	۵/۵۷	۰/۰۰۳
ماندگاری زناشویی ← تلاش رابطه‌ای	۰/۲۱۸	-	۵/۵۵	۰/۰۰۰

زنانشویی	تلاش رابطه‌ای ← کیفیت رابطه	۰/۴۱۵	-	۴/۶۳	۰/۰۰۰
زنانشویی	برجستگی زنانشویی ← کیفیت رابطه	۰/۷۲۲	۰/۱۹۹	۱۳/۲۰	۰/۰۰۰
زنانشویی	ماندگاری زنانشویی ← کیفیت رابطه	۰/۳۵۳	۰/۰۹۱	۳/۶۵	۰/۰۰۰

نتایج جدول شماره ۴ نشان داد که برجستگی زنانشویی، اثر مستقیم مثبت و معناداری با تلاش رابطه‌ای ($\beta = ۰/۴۸۱$)، $z = ۵/۵۷$ ($p < ۰/۰۰۳$)؛ همچنین ماندگاری زنانشویی اثر مستقیم مثبت و معناداری با تلاش رابطه‌ای ($\beta = ۰/۲۱۸$)، $z = ۵/۵۷$ ($p < ۰/۰۰۱$) داشتند. همچنین برای بررسی اثرات غیرمستقیم از آزمون بوت‌استراپ استفاده شد و نتایج نشان داد که برجستگی زنانشویی از طریق تلاش رابطه‌ای ($\beta = ۰/۱۹۹$)، $p < ۰/۰۰۱$ ؛ و ماندگاری زنانشویی از طریق تلاش رابطه‌ای ($\beta = ۰/۰۹۱$)، $p < ۰/۰۰۱$ نیز بر کیفیت رابطه زنانشویی اثرگذار بود. افزون بر این، تلاش رابطه‌ای ($\beta = ۰/۲۱۸$)، $z = ۵/۵۷$ ($p < ۰/۰۰۱$) به طور مستقیم کیفیت رابطه زنانشویی را پیش‌بینی کردند. بنابراین با توجه به یافته‌های جدول شماره ۴ پاسخ به دومین و سومین سؤال این پژوهش پاسخ داده شد. شکل شماره ۲ مدل نقش واسطه‌ای تلاش رابطه‌ای را در ارتباط ماندگاری و برجستگی زنانشویی بر کیفیت رابطه زنانشویی را به همراه ضرایب استاندارد مسیرها نشان می‌دهد.



شکل شماره ۲: نقش واسطه‌ای تلاش در رابطه در ارتباط با ماندگاری و برجستگی زنانشویی و بر کیفیت رابطه زنانشویی

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین کیفیت رابطه زنانشویی با برجستگی زنانشویی و ماندگاری زنانشویی و با در نظر گرفتن نقش میانجی‌گری تلاش رابطه‌ای انجام شد. نتایج نشان دادند برجستگی و ماندگاری زنانشویی نه تنها به طور مستقیم، بلکه به صورت غیرمستقیم و از مسیر تلاش رابطه‌ای، بر کیفیت رابطه زنانشویی اثر گذارند. همچنین مدل ساختاری طراحی شده از برازش مطلوبی برخوردار بود که مؤید ارتباط نظری منسجم بین متغیرهای پژوهش است.

یکی از یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که میان برجستگی و ماندگاری زنانشویی با کیفیت رابطه زنانشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ نتیجه‌ای که با پژوهش‌های ویلوگی (۲۰۱۴؛ ۲۰۱۵؛ ۲۰۲۰)؛ کاب و همکاران (۲۰۱۳)؛ دو و ویالکس (۲۰۱۰)؛ روزن-گراندون و همکاران (۲۰۰۴) همسو است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که باورهای زنانشویی- به ویژه باورهای مربوط به برجستگی و ماندگاری زنانشویی با کیفیت رابطه زنانشویی ارتباط مثبت و معناداری دارند. به بیان دیگر، هر چه زوجین ازدواج و زندگی زنانشویی را مهم‌تر،

با ارزش‌تر و ماندگارتر بدانند گزارش آنان از رضایت‌زناشویی، انسجام رابطه و ثبات زناشویی بیشتر خواهد بود. چنین نگرشی‌هایی با احساس تعهد و وفاداری و سرمایه‌گذاری عاطفی در رابطه همراه است. به نظر می‌رسد برجستگی و اهمیت زناشویی نوعی چارچوب ارزشی ایجاد می‌کند که در آن رابطه زناشویی نه تنها منبعی برای رضایت فردی، بلکه از هویت شخصی و اجتماعی فرد تلقی می‌شود. هنگامی که هر دو همسر این باور را دارند که زندگی زناشویی نهادی با ارزش و پایدار است، تمایل آنان برای تلاش متقابل، فداکاری و تداوم در رابطه افزایش می‌یابد. در این زمینه کارلسون و همکاران (۲۰۰۴) بیان داشتند دیدگاه‌های مثبت نسبت به ازدواج و اهمیت قائل شدن به زندگی زناشویی در زمان با نرخ پایین‌تری از طلاق همراه بود. همچنین بار و سیمونز (۲۰۱۲) دریافتند که برجستگی زناشویی در میان مردان با سطح بالاتری از رضایت زناشویی‌شان همبسته است. از سوی دیگر، در بعد ماندگاری زناشویی، پژوهش‌های پیشین نیز تأکید دارند که تعهد فداکارانه - که احساس هویت مشترک را در رابطه تقویت می‌کند، عاملی اساسی در پایداری و شادی زناشویی به شمار می‌رود (فینچام و همکاران، ۲۰۰۷). چنین تعهدی موجب می‌شود فرد تمایل بیشتری برای مشارکت در رفتارهای مثبت نشان دهد و زمینه‌های تعارض در یک رابطه به حداقل برساند. در همین راستا، اوون و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند که ماندگاری زناشویی با ادراک مثبت‌تر از کیفیت رابطه و رضایت بیشتر همراه است. نتایج پژوهش حاضر در همین راستا قابل تفسیر است: زوجینی که به باور برجستگی و اهمیت به زندگی زناشویی دارند، به احتمال بیشتری در روابط خود سرمایه‌گذاری می‌کنند (برای مثال برنامه‌ریزی مشترک، فعالیت‌های خانوادگی و تصمیمات اقتصادی مشترک). این سرمایه‌گذاری منجر به احساس پیوند، وابستگی و رضایت بلند مدت می‌شود. همچنین باور به ماندگاری زناشویی، تمایل به کنار ماندن از رابطه در شرایط دشوار را کاهش داده و انگیزه حل تعارضات را تقویت می‌کند. بیشتری نیز آنان در روابط از خود نشان می‌دهند و آنان تمایل بیشتری به این کار دارند که کنار هم بمانند و از این بودن لذت ببرند. به عنوان مثال برنت و فرانوک (۲۰۱۰) نشان دادند که زوج‌هایی با باور قوی‌تر به ماندگاری زناشویی، حتی در مواجهه با تعارضات حل نشده، متعهد به ادامه رابطه باقی می‌مانند و در نهایت گزارش‌هایی بالاتری از کیفیت زناشویی ارائه می‌کنند. از منظر فرهنگی-دینی نیز می‌توان این یافته را تبیین کرد.

در بافت ایرانی که دین و ارزش‌های خانوادگی در شکل‌گیری نگرش‌های زناشویی نقش برجسته‌ای دارند، ازدواج غالباً صرفاً یک قرارداد یا انتخاب فردی تلقی نمی‌شود، بلکه پیوندی ارزشمند و متعهدانه است که با مسئولیت اخلاقی و اجتماعی همراه است. در چنین چارچوبی، «برجستگی زناشویی» می‌تواند به معنای جایگاه بالاتر ازدواج در نظام ارزش‌های فرد و خانواده باشد؛ یعنی زوجین زندگی زناشویی را هسته اصلی هویت خانوادگی و یکی از مهم‌ترین حوزه‌های معنا و ثبات روانی-اجتماعی خود می‌دانند. این نگاه ارزش‌محور، به طور طبیعی با سطح بالاتری از وفاداری، تعهد و سرمایه‌گذاری عاطفی در رابطه همراه می‌شود و می‌تواند به افزایش رضایت، انسجام و کیفیت رابطه زناشویی منجر گردد. همچنین در بعد «ماندگاری زناشویی»، تأکید فرهنگی-دینی بر تداوم پیوند، مسئولیت‌پذیری متقابل، صبر و گذشت، و تلاش برای حل و فصل تعارض‌ها، می‌تواند سازوکاری توضیحی برای رابطه مثبت ماندگاری با کیفیت رابطه فراهم کند. وقتی زوجین ازدواج را رابطه‌ای بلندمدت و پایدار می‌دانند، در مواجهه با دشواری‌ها کمتر به گسست رابطه به عنوان راه حل فوری فکر می‌کنند و بیشتر به سمت گفت‌وگو، تنظیم هیجان، حل مسئله و اصلاح تعامل‌ها حرکت می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت برجستگی و ماندگاری زناشویی، چه در سطح باورهای فردی و چه در سطح ارزش‌های فرهنگی-دینی، زمینه‌ای ایجاد می‌کند که در آن زوجین انگیزه بیشتری برای حفظ رابطه، مدیریت تعارض و تداوم تلاش‌های سازنده نشان می‌دهند؛ و همین فرایندها به شکل‌گیری ارزیابی مثبت‌تر از کیفیت رابطه زناشویی منجر می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در چارچوب یک تبیین اسلامی-روان‌شناختی تحلیل کرد. در این چارچوب، باور به اهمیت و ماندگاری ازدواج، صرفاً یک نگرش فردی نیست، بلکه بخشی از نظام معنایی و ارزشی فرد محسوب می‌شود که رفتارهای او را در رابطه جهت‌دهی می‌کند. هنگامی که ازدواج به عنوان یک «میثاق» و مسئولیت اخلاقی درونی می‌شود، این باور به طور طبیعی به رفتارهایی مانند تلاش، گذشت و سرمایه‌گذاری در رابطه ترجمه می‌گردد. در این میان، تلاش رابطه‌ای به عنوان سازوکار رفتاری این فرایند عمل کرده و زمینه تحقق این باورها را در سطح تعاملات زوجین فراهم می‌سازد. بر این اساس، می‌توان گفت که برجستگی و ماندگاری زناشویی نقش «چارچوب‌های شناختی-ارزشی» را ایفا می‌کنند که جهت‌گیری فرد نسبت به رابطه را مشخص می‌سازند، در حالی که تلاش رابطه‌ای به عنوان «سازوکار رفتاری» عمل می‌کند که این باورها را به پیامدهای عینی در رابطه تبدیل می‌کند. این یافته نشان می‌دهد که مفاهیم دینی مانند تعهد، صبر و معاشرت به معروف، از طریق سازوکارهای روان‌شناختی قابل سنجش، می‌توانند به ارتقای کیفیت روابط زناشویی منجر شوند.

دیگر نتایج پژوهش حاضر نشان داد که برجستگی و ماندگاری زناشویی به طور غیرمستقیم و از طریق تلاش رابطه‌ای، با کیفیت رابطه زناشویی مرتبط‌اند. این یافته با یافته‌های پژوهش‌هایی مانند هالفورد و همکاران (۲۰۰۷)؛ ویلسون و همکاران (۲۰۰۵)؛ هازلود (۲۰۱۲)؛ ویلسون همکاران (۲۰۰۵)؛ شافر و همکاران (۲۰۱۴)؛ ویلویی (۲۰۱۴) و گاندر و همکارانش (۲۰۲۴) همسو بود. برای تبیین این رابطه می‌توان به سه چارچوب نظری مهم اشاره کرد: نظریه پارادایم زناشویی، نظریه افق زناشویی و نظریه تعهد پرداخته می‌شود. مطابق با نظریه پارادایم

زناشویی، چگونگی مفهوم‌سازی افراد از ازدواج و رابطه زناشویی، بر ادراک، رفتار و اهداف آنان در رابطه تأثیرگذار است (ویلوگی و همکاران، ۲۰۱۳). افرادی که ازدواج را به‌عنوان نهادی ارزشمند، مهم و پایدار می‌بینند، نوعی باور بنیادین نسبت به برجستگی زناشویی دارند. این باور سبب می‌شود ازدواج برای آنان جایگاهی مرکزی در زندگی پیدا کند و تصمیم‌ها و رفتارهای روزمره‌شان در جهت حفظ و ارتقای آن تنظیم شود. در چنین شرایطی، نگرش مثبت نسبت به ازدواج، به شکل تعهد، فداکاری و تلاش برای بهبود رابطه ظهور پیدا می‌کند. از سوی دیگر در چارچوب نظریه افق زناشویی نیز، هنگامی که فرد ازدواج را رابطه‌ای بلندمدت و ماندگار می‌بیند، انگیزه و تمایل بیشتری برای سرمایه‌گذاری در رابطه پیدا می‌کند. باور به آینده‌دار بودن ازدواج، باعث می‌شود فرد برای حفظ رابطه، زمان، انرژی و هیجان بیشتری صرف کند. چنین نگرشی موجب می‌شود زوجین برای تداوم رابطه، درگیر رفتارهای هدفمند مانند حل تعارض، نشان دادن محبت، همکاری و سازش شوند (کارول، ۲۰۰۷). این رفتارها همان مصادیق تلاش رابطه‌ای هستند که در نهایت کیفیت رابطه را ارتقا می‌دهند. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، تلاش رابطه‌ای با کیفیت زناشویی رابطه‌ای مثبت دارد (به عنوان مثال، شافر و همکاران، ۲۰۱۴)، زیرا نشان‌دهنده میزان درگیری و مشارکت فعال فرد در ازدواج است (هالفورد و همکاران، ۲۰۰۷). به علاوه، طبق نظریه تعهد، باور به اهمیت و ماندگاری ازدواج، باعث افزایش سطح تعهد در رابطه می‌شود. تعهد به‌تنهایی جنبه‌ای نگرشی دارد و نشان‌دهنده قصد ماندن در رابطه است، اما زمانی به نتایج مثبت منجر می‌شود که به رفتارهای عملی مانند تلاش، فداکاری و مراقبت از رابطه ترجمه شود. در واقع، تلاش رابطه‌ای سازوکار رفتاری است که از تعهد نشأت می‌گیرد و به‌واسطه‌ی آن کیفیت رابطه افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، تعهد انگیزه‌ای درونی برای حفظ رابطه ایجاد می‌کند و تلاش، راهبرد عملی تحقق آن است. نکته مهم آن است که هر چند «تلاش» با «تعهد» در رابطه همبستگی دارد، اما از نظر مفهومی متمایز است. تعهد غالباً به‌عنوان نوعی نگرش تعریف می‌شود نه کنش. برای مثال، راسبالت و همکاران (۲۰۱۱) تعهد را «احساس وفاداری نسبت به همسر» توصیف کرده‌اند (ص. ۶۱۸). در مقابل، «تلاش» ترکیبی از نگرش و عمل است (هالفورد، ۲۰۱۱). بنابراین، می‌توان گفت برجستگی و ماندگاری زناشویی از طریق تقویت باور به اهمیت ازدواج و افزایش سطح تعهد، انگیزه لازم برای صرف تلاش در رابطه را فراهم می‌آورند. تلاش‌های پیوسته و هدفمند زوجین برای حفظ رابطه، موجب افزایش صمیمیت، انسجام و رضایت در ازدواج می‌شود. به عبارت دیگر، باورهای زناشویی مثبت و نگرش بلندمدت نسبت به ازدواج، به واسطه‌ی تلاش‌های واقعی و ملامت در رابطه، به کیفیت بالاتر زناشویی منتهی می‌شود. این تبیین با دیدگاه نظریه‌پردازانی چون هالفورد (۲۰۱۱) و ویلوگی (۲۰۱۴) همسو است که بیان می‌کنند کیفیت رابطه نتیجه‌ی مستقیم تعامل میان نگرش‌ها، انگیزش‌ها و رفتارهای روزمره زوجین است. یا پژوهش ویلسون و همکاران (۲۰۰۵) نشان داد افزایش تلاش ناشی از برجستگی و تعهد زناشویی معمولاً با پیامدهای مطلوب‌تر در رابطه‌ای همراه است. به نظر می‌رسد یافته حاضر نشان می‌دهد که باورهای زناشویی مربوط به برجستگی و ماندگاری ازدواج، به‌تنهایی برای ارتقای کیفیت رابطه کافی نیستند، بلکه نقش اصلی آن‌ها در جهت‌دهی به رفتارهای روزمره زوجین و افزایش میزان تلاش عملی در رابطه است. به بیان دیگر، این باورها نوعی چارچوب معنایی و ارزشی فراهم می‌کنند که در آن زوجین خود را متعهد به مراقبت فعال از رابطه می‌دانند. در چنین چارچوبی، تلاش رابطه‌ای نه یک واکنش مقطعی، بلکه یک الگوی پایدار رفتاری تلقی می‌شود که از احساس مسئولیت نسبت به تداوم رابطه نشأت می‌گیرد. از این منظر، می‌توان گفت برجستگی و ماندگاری زناشویی زمانی به کیفیت بالاتر رابطه منجر می‌شود که به رفتارهای ملموس و مستمر، مانند گفت‌وگوی سازنده، حل تعارض، ابراز توجه و فداکاری ترجمه گردد. این تفسیر با زمینه فرهنگی-دینی جامعه ایرانی نیز همخوان است؛ جایی که ازدواج غالباً به‌عنوان پیوندی متعهدانه و بلندمدت در نظر گرفته می‌شود و انتظار می‌رود زوجین برای حفظ آن، در عمل نیز تلاش نشان دهند. بنابراین، تلاش رابطه‌ای را می‌توان حلقه واسطی دانست که از طریق آن باورهای زناشویی مثبت به پیامدهای عینی و پایدار در کیفیت رابطه تبدیل می‌شوند.

در پژوهش قرآنی معاصر نیز تأکید شده است که میثاق غلیظ افزون بر اشاره به جایگاه بلند و معنوی ازدواج، لوازم اخلاقی مشخصی مانند وفاداری همسران (التزام عملی کامل به تعهدات عاطفی و جنسی)، تکریم همسر (حرمت نگه داشتن و ارج نهادن) و معاشرت به معروف (بنیان روابط متقابل بر اساس حق، انصاف و رفتار شناخته‌شده نزد عقل و شرع) دارد (مهدیانفر، ۱۴۰۳). همچنین از لوازم اخلاقی این میثاق در شرایط دشوار، مشورت همسران با یکدیگر در فضایی صمیمی و دور از منفعت‌طلبی‌های شخصی است (مهدیانفر، ۱۴۰۳). این مؤلفه‌ها دقیقاً همان رفتارهایی هستند که در یافته‌های پژوهش حاضر تحت عنوان تلاش رابطه‌ای (شامل گفت‌وگو، حل تعارض، ابراز توجه و فداکاری) ظاهر شده‌اند. در این چارچوب، می‌توان آموزه «معاشرت به معروف» را به‌عنوان معادل رفتاری تلاش رابطه‌ای و مفهوم «میثاق غلیظ» را به‌عنوان معادل نگرشی ماندگاری زناشویی در نظر گرفت. این هم‌ترازی مفهومی نشان می‌دهد که سازه‌های مورد بررسی در این پژوهش، قابلیت تبیین در چارچوب اسلامی را داشته و می‌توانند پلی میان آموزه‌های دینی و مدل‌های تجربی روان‌شناسی ایجاد کنند.

نتایج این پژوهش می‌تواند برای متخصصان روان‌شناسی و مشاوره خانواده در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزش ازدواج و روابط زناشویی که با هدف کاهش تعارض‌ها و ارتقای رضایت از زندگی مشترک انجام می‌شوند، سودمند باشد. در جلسات مشاوره، متخصصان می‌توانند از یافته‌های این پژوهش برای کمک به زوج‌هایی رفتارهای خودتنظیمی در روابط عاشقانه، مانند

«تلاش»، تأثیر مثبتی بر کیفیت زناشویی دارند. این می‌تواند رویکردی سودمند برای استفاده در محیط‌های بالینی با زوج‌هایی باشد که در روابط خود با مشکل مواجه‌اند. پژوهش‌های گذشته (هالفورد، ۲۰۱۱) نشان داده‌اند که زوج‌هایی که برای تغییر تلاش می‌کنند، پیشرفت چشمگیری در روابطشان می‌بینند؛ به‌گونه‌ای که نتایج آن حتی از ویژگی‌های مثبت دیگری مانند کیفیت ارتباط نیز قوی‌تر است. همچنین، متخصصان این حوزه باید بر این نکته تأکید کنند که روابط زناشویی پدیده‌ای ایستا نیست، بلکه فرایندی پویا و در حال تحول است که برای حفظ و تداوم آن، تلاش و سرمایه‌گذاری عاطفی مستمر لازم است. از این‌رو، ضروری است که هر دو زوج آگاهی یافته‌های ما نشان می‌دهد پژوهش حاضر، همانند سایر پژوهش‌های علوم رفتاری، با محدودیت‌هایی همراه بوده است. نخست آنکه، نمونه پژوهش شامل زنان و مردان متأهل شهر اصفهان بود؛ بنابراین، در تعمیم نتایج به سایر شهرها و استان‌های کشور باید با احتیاط عمل کرد. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در مطالعات آینده، داده‌هایی با تنوع بیشتر از نظر موقعیت‌های جغرافیایی، فرهنگی و مدت زمان ازدواج گردآوری کنند تا قابلیت تعمیم نتایج افزایش یابد.

دوم آنکه، داده‌های پژوهش صرفاً از یکی از زوجین و در یک مقطع زمانی جمع‌آوری شده است. از این‌رو، امکان بررسی دیدگاه‌های متقابل همسران یا تحلیل پویایی رابطه در گذر زمان وجود نداشت. در مطالعات آینده پیشنهاد می‌شود. در مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود هر دو زوج به‌طور هم‌زمان مورد بررسی قرار گیرند و برای کشف روابط علی‌میان متغیرها، از طرح‌های طولی و مطالعات تجربی استفاده شود. چنین رویکردی می‌تواند به درک عمیق‌تر از پویایی روابط زناشویی و نقش متقابل برجستگی و ماندگاری زناشویی و تلاش رابطه‌ای در کیفیت رابطه زناشویی بینجامد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این پژوهش کد اخلاق را به شماره IR.SKU.REC. ۱۴۰۳.۰۵۹ از کمیته اخلاق دانشگاه دریافت کرده است. و نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول: تهیه و آماده‌سازی نمونه‌ها، گردآوری داده‌ها، انجام محاسبات، تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها، تهیه پیش‌نویس مقاله
نویسنده دوم استاد راهنمای پایان‌نامه: طراحی پژوهش، نظارت بر مراحل انجام پژوهش، بررسی و کنترل نتایج، اصلاح، تحلیل و تفسیر اطلاعات و نتایج بازبینی و نهایی‌سازی مقاله

نویسنده سوم استاد مشاور پایان‌نامه: مشارکت در طراحی پژوهش، نظارت بر پژوهش، مطالعه و بازبینی مقاله

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

این پژوهش بدون دریافت هرگونه حمایت مالی از سازمانهای دولتی، تجاری یا غیرانتفاعی انجام شده است

سپاسگزاری

از کلیه شرکت کنندگان محترمی که در انجام این پژوهش نهایت همکاری را با پژوهشگران داشتند، کمال قدردانی را داریم.

منابع

قرآن کریم.

ابراهیمی، احسان، و محسنی، نرجس السادات (۱۴۰۲). بایسته‌های روان شناختی آرامش و دل بستگی پایدار میان همسران براساس

آیه ۲۱ سوره روم. مشکوه، ۴۲ (۱۶۱)، ۹۱-۱۱۶. [۱۰.۲۲۰۳۴/mishkat.2024.194.47](https://doi.org/10.22034/mishkat.2024.194.47)

اسماعیلی، داوود، و حاجی اسماعیلی، محمدرضا (۱۳۹۵). بازخوانی آرای تفسیری آیه ۳۲ سوره نور با رویکرد تفسیر اجتماعی. دو

فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم، ۶ (۱۵)، ۳۱-۷.

دادمز، سید مهدی (۱۴۰۴). جایگاه آیه ۲۱ سوره روم (آیه مودت و رحمت) در استنباط فقهی و ضرورت انعکاس آن در قوانین

کشورهای اسلامی. آموزه‌های حقوق خصوصی کشورهای اسلامی، ۱ (۴)، ۱-۲۵. [۱۰.۲۲۰۹۱/dplic.2025.123.5.1.47](https://doi.org/10.22091/dplic.2025.123.5.1.47)

- سلیمی نوه، اصغر، سلیمی، رضا، و پور رضا قلی، مریم (۱۳۹۷). بررسی الگوهای ارتباطی زوجین از منظر قرآن و روانشناسی. *مجله مطالعات اسلامی در حوزه سلامت*، ۲ (۱)، ۳۷-۵۲.
- سیدحسینی، سعید، و محمدجعفری، رسول (۱۴۰۲). واکاوی مفهوم معاشرت به معروف در آیه ۱۹ سوره نساء و نقش آن در تکلیف حقوقی زن. *پژوهشنامه قرآنی*، ۲۸ (۴)، ۲۷-۴۴. <https://doi.org/10.22081/jqr.2023.66340.3743>
- شاهی، حسن، مومنی، خدامراد، کرمی، جهانگیر، و اشرفی، عماد (۱۳۹۸). پارادایم های زناشویی در جوانان ایرانی: معرفی و ارزشیابی یک نظریه نوین در زمینه روابط زناشویی. *مطالعات روانشناسی بالینی*، ۹ (۳۵)، ۱-۳۹. <https://doi.org/10.22054/jcps.2019.43736.2155>
- عثمان، حذیفه (۱۳۹۹). بررسی مفهوم لباس بودن زن و شوهر در آیه ۱۸۷ سوره بقره. *پژوهش های اسلامی جنسیت و خانواده*، ۳ (۴)، ۴۵-۶۲.
- کاوه فارسانی، ذبیح الله (۱۴۰۰). نقش واسطه ای اسناد ارتباطی و بخشش زناشویی در رابطه بین روان رنجوری، سبک های دلبستگی و رضایت زناشویی. *پژوهش های مشاوره*، ۲۰ (۷۹)، ۳۱-۶۰. <https://doi.org/10.18502/qjcr.v7i7.3741>
- مهدیانفر، رضا (۱۴۰۳). لوازم اخلاقی میثاق غلیظ در روابط خانوادگی (تحلیلی از آیه ۲۱ سوره نساء). *دوفصلنامه علمی قرآن و علم*، ۱۸ (۳۵)، ۲۱۴-۱۹۵. <https://doi.org/10.22034/QVE.2025.10018.195-214>
- نوبهار، رحیم، و حسینی، سیده ام البنین (۱۳۹۴). قاعده «لزوم معاشرت به معروف» در روابط زن و شوهر. *خانواده پژوهی*، ۱۱ (۴۱)، ۵۳-۷۲.
- هدایت نیا، فرج الله؛ جوان، عبدالله و فاضلیان، نفیسه السادات (۱۴۰۰). بررسی حق سلامت روانی زوجه در قرآن و احادیث فقهی با تأکید بر آثار تربیتی. *آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث*، ۷ (۲)، ۶۱-۸۳. <https://doi.org/10.22034/iued.2022.543211.2163>

References

- Aniekan, N., & Mark, M. H. (۲۰۲۳). Impact of Effective Communication in a Marriage. *International Journal of Research in Education, Science and Technology*, 2, ۳۳-۴۰. <https://www.researchgate.net/publication/3773392983>
- Barr, A. B., & Simons, R. L. (۲۰۱۲). Marriage expectations among African American couples in early adulthood: A dyadic analysis. *Journal of Marriage and Family*, 74(۴), ۷۲۶-۷۴۲. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2012.00980.x>
- Blumer, H. (۱۹۶۹). Symbolic interactionism: Perspective and method. Berkeley: University of California Press.
- Bühler, J. L., Krauss, S., & Orth, U. (۲۰۲۱a). Development of relationship satisfaction across the life span: A systematic review and meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 147(10), ۱۰۱۲. <https://doi.org/10.1037/bul000342>
- Burnette, J. L., & Franiuk, R. (۲۰۱۰). Individual differences in implicit theories of relationships and partner fit: Predicting forgiveness in developing relationships. *Personality and Individual Differences*, 48(۲)، ۱۴۴-۱۴۸. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2009.09.011>
- Carlson, M., McLanahan, S., & England, P. (۲۰۰۴). Union formation in fragile families. *Demography*, 41, ۲۳۷-۲۶۱. <https://doi.org/10.1353/dem.2004.0012>
- Carroll, J. S., Badger, S., Willoughby, B. J., Nelson, L. J., Madsen, S. D., & McNamara Barry, C. (۲۰۰۹). Ready or Not? Criteria for Marriage Readiness Among Emerging Adults. *Journal of Adolescent Research*, 24(3), 349-375. <https://doi.org/10.1177/0743080809333425>
- Carroll, J. S., Willoughby, B., Badger, S., Nelson, L. J., Barry, C. M., & Madsen, S. D. (۲۰۰۷). So close, yet so far away: The impact of varying marital horizons on emerging adulthood. *Journal of Adolescent Research*, 22, ۲۱۹-۲۴۷. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/0743080807299697>

Robles, T. F., Slatcher, R. B., Trombello, J. M., & McGinn, M. M. (۲۰۱۴). Marital quality and health: A meta-analytic review. *Psychological Bulletin*, 140(1), ۱۴۰-۱۸۷.

<https://doi.org/10.1037/a0031809>

Ruhlmann, L. M., Gallus, K. L., & Durtschi, J. A. (۲۰۱۸). Exploring relationship satisfaction and attachment behaviors in single- and dual-trauma couples: A pilot study. *Traumatology*, 24(1), ۲۷-۳۵. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/trm0000129>

Rusbult, C. E. (۱۹۸۰). Commitment and satisfaction in romantic associations: A test of the investment model. *Journal of Experimental Social Psychology*, 16(2), ۱۷۲-۱۸۶.

[https://doi.org/10.1016/0022-1031\(80\)9007-4](https://doi.org/10.1016/0022-1031(80)9007-4)

Rusbult, C. E., Agnew, C. R., & Arriaga, X. B. (۲۰۱۲). The investment model of commitment processes. In P. A. M. Van Lange, A. W. Kruglanski, & E. T. Higgins (Eds.), *Handbook of theories of social psychology* (pp. ۲۱۸-۲۳۱). Sage Publications Ltd.

<https://doi.org/10.4135/9781446249222.n37>

Saroca, K., & Sargent, J. (۲۰۲۲). Understanding Families as Essential in Psychiatric Practice. *Focus American Psychiatric Publishing*, 20(2), ۲۰۴-۲۰۹.

<https://doi.org/10.1176/appi.focus.2021.030>

Shafer, K., Jensen, T. M., & Larson, J. H. (۲۰۱۴). An actor-partner model of relationship effort and marital quality. *Family Relations: An Interdisciplinary Journal of Applied Family Studies*, 63(۵), ۶۵۴-۶۶۶. <https://doi.org/10.1111/fare.12091>

Thomas, P. A., Liu, H., & Umberson, D. (۲۰۱۷). Family relationships and well-being. *Innovation in Aging*, 1(3), igx.۲۵. <https://doi.org/10.1093/geroni/igx.20>

Weryszko, M. (۲۰۲۰). Marital love - conditions for the success of the fundamental relationship in the family. *Scientific Quarterly Fides et Ratio*, 1(41), ۱۲۹-۱۴۳.

<https://fidesetratio.com.pl/ojs/index.php/FetR/article/view/140>

Wilcox, W. B., & Dew, J. P. (۲۰۱۰). Is love a flimsy foundation? Soulmate versus institutional models of marriage. *Social Science Research*, 39, ۶۸۷-۶۹۹.

<https://scholarsarchive.byu.edu/facpub>

Willoughby, B. J. (۲۰۱۵). The role of marital beliefs as a component of positive relationship functioning. *Journal of Adult Development*, 22(2), ۷۶-۸۹.

<https://doi.org/10.1007/s10804-014-9202-1>

Willoughby, B. J., & Carroll, J. S. (۲۰۱۰). Sexual experience and couple formation attitudes among emerging adults. *Journal of Adult Development*, 17(1), ۱-۱۱.

<https://doi.org/10.1007/s10804-009-9073-z>

Willoughby, B. J., & Dworkin, J. D. (۲۰۰۹). The relationships between emerging adults' expressed desire to marry and frequency of participation in risk behaviors. *Youth & Society*, ۴۰, ۴۲۶-۴۵۰. <https://doi.org/10.1177/0044118X08318116>

Willoughby, B. J., & Hall, S. S. (۲۰۱۵). Enthusiasts, delayers, and the ambiguous middle: Marital paradigms among emerging adults. *Emerging Adulthood*, 3(2), ۱۲۳-۱۳۵.

<https://doi.org/10.1177/2167696814504847>

Willoughby, B. J., Hall, S. S., & Luczak, H. P. (۲۰۱۳). Marital Paradigms: A Conceptual Framework for Marital Attitudes, Values, and Beliefs. *Journal of Family Issues*, 36(2), ۱۸۸-۲۱۱. <https://doi.org/10.1177/0192513X13487677>

Willoughby, B. J., James, S., Marsee, I., Memmott, M., & Dennison, R. P. (۲۰۲۰). "I'm scared because divorce sucks": Parental divorce and the marital paradigms of emerging adults. *Journal of Family Issues*, 41(6), ۷۱۱-۷۳۸.

<https://doi.org/10.1177/0192513X19880933>

Willoughby, B. J., James, S., Marsee, I., Memmott, M., & Dennison, R. P. (۲۰۲۰). "I'm scared because divorce sucks": Parental divorce and the marital paradigms of emerging adults. *Journal of Family Issues*, 41(6), ۷۱۱-

۷۳۸. <https://doi.org/10.1177/0192513X19880933>

Willoughby, B. J., Yorgason, J., James, S., & Kramer Holmes, E. (۲۰۲۱). What Does Marriage Mean to Us? Marital Centrality among Newlywed Couples. *Journal of Family Issues*, 42(7), ۱۶۳۱–۱۶۵۴. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/0192513X20949905>

Wilson, K. L., Charker, J., Lizzio, A., Halford, K., & Kimlin, S. (۲۰۰۵). Assessing How Much Couples Work at Their Relationship: The Behavioral Self-Regulation for Effective Relationships Scale. *Journal of Family Psychology*, 19(3), ۳۸۵–۳۹۳. <https://doi.org/10.1037/0893-3200.19.3.385>

